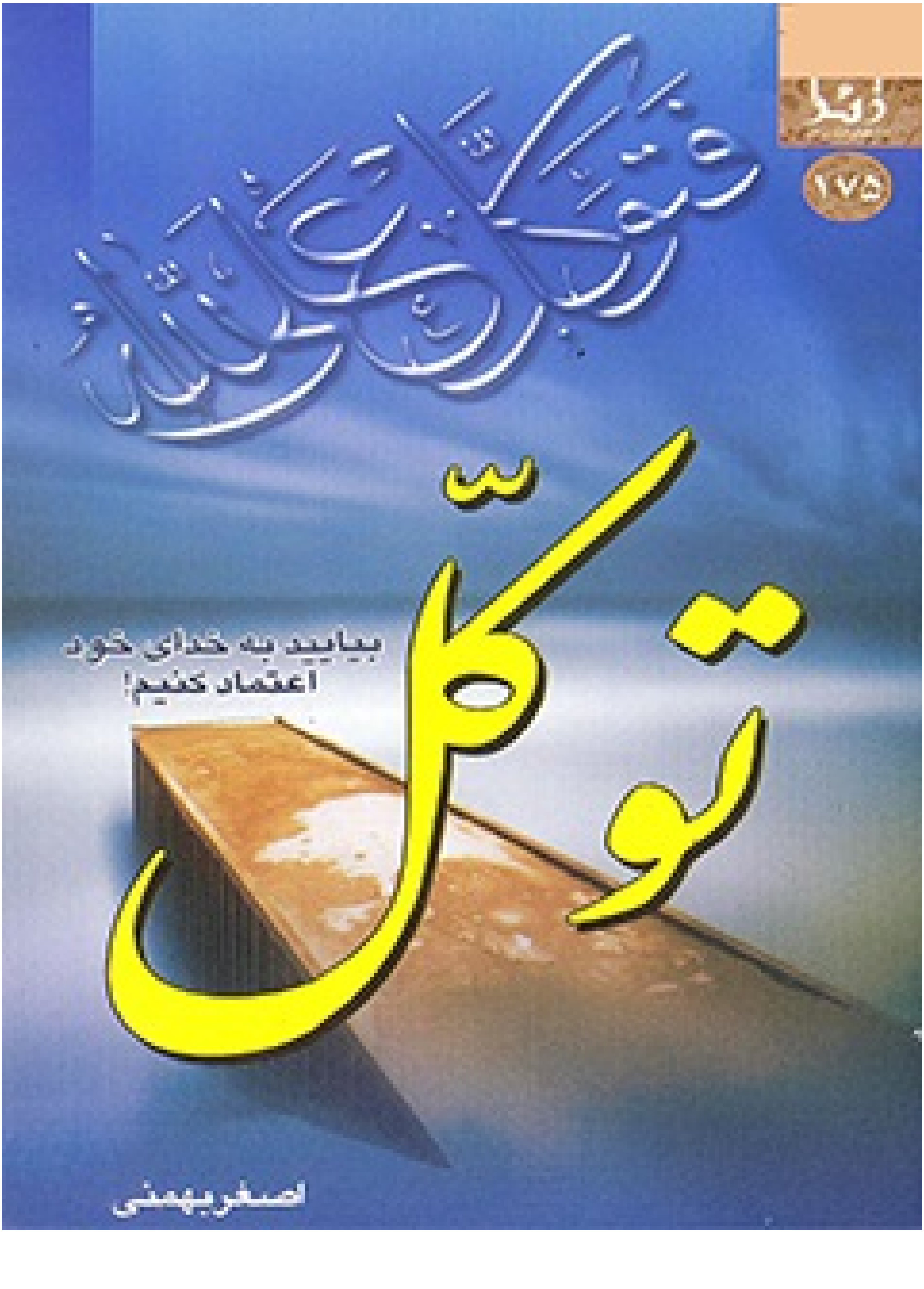

۱۷۵
توکل
بیایید به خدای خود
اعتماد کنیم!
اصغر بهمنی

بسم الله الرحمن الرحیم

توکل :بیایید به خدای خود اعتماد کنیم!

نویسنده:

اصغر بهمنی

ناشر چاپی:

زائر- آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

توکل :بیایید به خدای خود اعتماد کنیم!

مشخصات کتاب

سرشناسه : بهمنی، اصغر، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور : توکل :بیایید به خدای خود اعتماد کنیم!/ اصغر بهمنی

مشخصات نشر : قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : ص ۴۸

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع : توکل (اسلام)

موضوع : ایمان (اسلام)

موضوع : توکل

شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره : BP۲۲۵/۲/ن۲ف۷ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۴

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

پیشگفتار

همـانگونه که انسـان ، فطرتـا به دنبـال پرسـتش معبود بی همتـاست ، در دل دادگی و تکیه خواهی نیز خواهان سـتون محکم و مطمئن است .

بـا تـأسف ، همانطور که در پرستش ، بسـیاری از انسان ها راه به خطا برده انـد ، در سـر سـپاری و اعتماد نیز به کـج راهه های لغزنده کشیده شده اند .

بدون شک ، ضعف ایمان به خداوند قادر و بی همتا مهمترین دلیل در سستی توکل است .

نوشـته حاضر که توکل را با رویکردی قرآنی مورد توجه قرار داده بر آن است تا ابعاد علمی این بحث را به طور اختصار تبیین نماید . امید است که مورد توجه و استفاده محققان قرار گیرد .

انشاء اللّه

اصغر بهمنی / پاییز ۱۳۸۷

تعریف توکل

تعریف توکل از نظر لغوی

«توکل» از وکاله است(۱) و به دو صورت بیان می شود:

۱ _ توکلتُ له: به معنای ولایت پذیری است. (ولایت او را پذیرفتم).

۲ _ توکلتُ علیه: به معنای اعتماد کردن به دیگران است.(۲) (به او اعتماد دارم).

آنچه مورد نظر ما در این نوشته است و عموم مردم به آن توجه دارند معنای دوم است که در تعابیر اهل علم به مفاهیم دیگری نیز تبیین شده است مانند:

قبول وکالت(۳) و تفویض کارها به دیگران(۴)

همچنین «توکیل» که هم خانواده «توکل» است از نظر علامه طباطبائی به معنای اعتماد _ بر دیگران _

۱- ۱ _ احیاء علوم الدین، ج ۵، ص ۱۸۳.
۲- ۲ _ مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۸۲.
۳- ۳ _ التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱۳، ص ۱۹۲.
۴- ۴ _ موسوعه مصطلحات...، ص ۲۳۸.

است.(۱) راغب، توکیل را به معنای نایب گرفتن غیر، معنا کرده(۲) و در مجمع البیان آن را تفویض کارها به غیر(۳) آورده است.

«وکیل» از دیگر لغات هم خانواده توکل است که به معنای «موکول» آمده است،(۴) بنابراین وکیل کسی است که موکل، کارش را به او واگذار کرده(۵) و به نیابت از او تدبیر می کند.(۶)

تعریف توکل در اصطلاح دانشمندان اسلامی

در دیدگاه دانشمندان اسلامی تعاریف متعددی به چشم می خورد:

ملا مهدی نراقی می نویسد:

«توکل یعنی اعتماد بر خداوند و سپردن همه کارها به او.»(۷)

طبرسی می گوید:

«توکل یعنی رضایت به تدبیر خدا همراه با واگذاری کارها به او و تمسک کردن به طاعتش.»(۸)

در اثر دیگری، تعریف دقیق تری ارائه شده است تا

۱- ۱ _ المیزان، ج ۷ و ۸، ص ۲۵۵.
۲- ۲ _ مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۸۲.
۳- ۳ _ مجمع البیان، ج ذیل سجده ۱۲.
۴- ۴ _ محجه البیضاء، ج ۷، ص ۴۰۵.
۵- ۵ _ لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۸۷.
۶- ۶ _ المیزان، ج ۳ و ۴، ص ۶۵.
۷- ۷ _ جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۲۰.
۸- ۸ _ مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۸۷.

آنجا که می نویسد:

«توکل، اعتماد قلب است بر خدا با عدم اضطراب به هنگام نبود اسباب.»(۱)

در جای دیگری از این اثر تعریف دیگری آمده است:

«توکل، اعتماد قلبی بر خداوند است در آنچه دوست دارد یا بدش آید و در آنچه امید دارد و آنچه می ترسد. اعتماد نمی کند بر سببی مگر خداوند.»(۲)

معراج السعاده آورده است:

«توکل یعنی اعتماد کردن و مطمئن بودن دل بنده خدا در تمام کارهایش به خداوند و اینکه بیزار شود از هر حول و قوه ای و فقط تکیه کند بر حول و قوه الهی.»(۳)

در کتاب «فتح القدیر» توکل را واگذاری تمامی افعال و گفتار به خداوند بیان کرده است.(۴)

مرحوم علامه طباطبائی در این خصوص می فرماید:

«توکل عبارت است از اینکه انسان زمام امور خود را به دست غیر خود (خدا) دهد و تسلیم او شود که هر چه صلاح دید و هر چه کرد همان را صلاح خود بداند و این خود اخص آثار عبودیت است.»(۵)

۱- ۱ _ موسوعه مصطلحات التصوف الاسلامی، ص ۲۳۷.

۲- ۲ _ همان، ص ۲۴۳.

۳- ۳ _ معراج السعاده، ص ۶۹۷.

۴- ۴ _ فتح القدیر، ج ۳، ص ۱۶۴.

۵- ۵ _ المیزان، ج ۱۳ و ۱۴، ص ۳۴۴.

جمع بندی واژه توکل در قرآن

دوازده واژه از کلمه «توکل» مشتق شده اند که هفتاد آیه قرآن را به خود اختصاص داده اند:

تَوَکَّلْتُ: هفت بار

تَوَکَّلْنا: چهار بار

نَتَوَکَّلُ: یک بار

یَتَوَکَّلُ: دوازده بار

یَتَوَکَّلُونَ: پنج بار

تَوَکَّلْ: نه بار

تَوَکَّلُوا: دوبار

وَکِیلٌ: بیست و چهار بار

مُتَوَکِّلُونَ: سه بار

مُتَوَکِّلِینَ: یک بار

وَکَّلْنا: یک بار

وُکِّلَ: یک بار

در آیاتی که واژه «وکیل» دارند، بیست و چهار بار از خداوند به عنوان وکیل یاد شده است.

در آیات یاد شده یازده بار امر به توکل شده است که به صورت صیغه مفرد یعنی «تَوَکَّلْ» نه بار و به صورت صیغه جمع یعنی «تَوَکَّلُوا» دو بار تکرار شده است.

از آنجا که توکل باید بر خداوند باشد، نام خدا در مشتقات توکل، ۳۴ بار با لفظ جلاله «اللّهِ»(۱) و نه بار به

۱- ۱ _ مانند: فَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ، (آل عمران: ۱۵۹).

صورت ضمیر برگشت داده شده به آن(۱) و پنج بار با لغت «ربّ»(۲) و پنج بار به صورت ضمیر برگشت داده شده به آن آورده شده است.(۳)

همچنین در سه آیه، اشاره به سه صفت خداوند شده است که از این قرار است:

رحمن: «قُلْ هُوَ الرَّحْمنُ آمَنّا بِهِ وَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنا (ملک: ۲۹)».

ــ بگو او خدای رحمان است، ما به او ایمان آورده و براو توکل کرده ایم.

حَیّْ: «وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ (فرقان: ۵۸)».

ــ و توکل کن بر آن زنده ای که هرگز نمی میرد.

عزیز: «وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (شعراء: ۲۱۷)».

ــ و بر خداوند عزیز و حکیم توکل کن.

در قرآن به «توکل کنندگان» هم اشاره شده که عبارتند از: پیامبر اسلام (نساء: ۸۱ و....) ــ حضرت نوح (یونس: ۷۱) ــ حضرت هود (هود:۵۶) ــ حضرت شعیب (هود: ۸۸) ــ حضرت یعقوب (یوسف: ۶۷) ــ قوم موسی (یونس: ۸۵) ــ پیامبر اسلام و اصحابش (ملک: ۲۹) ــ حضرت ابراهیم و اصحابش (ممتحنه: ۴)

۱- ۱ ــ مانند: وَ ما تَوْفِيقِي إِلاّ بِاللّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، (هود: ۸۸).

۲- ۲ ــ مانند: الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، (نحل: ۴۲).

۳- ۳ ــ مانند: رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلاً، (مزمل:۹).

ـ حضرت شعیب و اصحابش (اعراف: ۸۹) ـ انبوه پیـامبران (ابراهیم: ۱۲) ـ مهاجران در راه خـدا (نحل: ۴۲) و به طـور کلی مؤمنان (آل عمران: ۱۲۲ و... .)

در قرآن این نکته را ضروری دانسته است که مبلغان الهی و بلکه همگان باید به خدا توکل کنند.(۱)

توکل تنها باید به خداوند باشد

قبل از پرداختن به این مسئله باید ببینیم، چرا به غیر خدا نمی توان توکل و اعتماد داشت؟

بدون شک از دیدگاه یک انسان مؤمن و عاقل، غیر از خدا کسـی یا چیزی نمی تواند مورد اعتماد باشد و کفایت لازم را برای این منظور ندارنـد چرا که بنـابه فرموده پیامبر گرامی صـلی الله علیه و آله مخلوق نمی توانـد شایسـته توکل بر او باشـد به دلیل اینکه نفع و زیان و عطا و منعی را در اختیار ندارد.(۲)

بـا این حال از آیات ۱۸ و ۶۷ سوره یوسف، شایسـتگی خداوند برای توکل کردن بر او، قابل اسـتنباط است(۳) حصر توکل بر خداونـد متعـال را می تـوان از تقـدیم «اللّـه» در آیه: «وَ عَلَی اللّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُوءْمِنُونَ (مائـده: ۲۳)» بـه دست آورد.(۴) از نظر اعتقادی نیز باور به حاکمیت انحصاری خدا بر هستی، موجب توکل

۱- ۱ ـ تفسیر راهنما، ج ۷، ص ۳۵۹؛ و ج ۳، ص ۴۸۹.

۲- ۲ ـ همان، ج ۸، ص ۴۸۸.

۳- ۳ ـ همان، ص ۳۴۶ و ۴۸۸.

۴- ۴ ـ همان، ج ۴، ص ۳۱۹.

می شود.(۱)

علی علیه السلام جایگاه خدا و غیر خدا را در مسئله توکل این گونه در کلام آورده است:

«من روی تافته از همگان و بازگشته به خدا ، به او توکل می کنم.»(۲)

اما این که چرا برخی به غیر خدا تکیه می کنند و از اعتماد و توکل بر خدا روی گردان هستند می تواند ریشه در ضعف یقین یا ضعف نفس و یا ضعف هر دو داشته باشد.(۳)

قرآن نیز در آیات ۱۹۳ اعراف و ۱۷ عنکبوت، روی گردانی از خدا و روی آوردن به غیر خداوند را نکوهش کرده است.(۴)

همچنین آیه: «أَلاّ تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكِيلاً (اسراء:۲)» در خطاب به بنی اسرائیل، ایشان را از شرک به خدا و این که چیزی غیر او را وکیل بگیرند، زنهار داده است.(۵)

با این حال، کمک گرفتن از دیگران در صورتی که اعتماد قلبی به آن ها وجود نداشته باشد و یا به اعتقاد زمخشری، چنین کمکی انسان را به گناه نکشاند، جایز خواهد بود.(۶)

۱- ۱ _ همان، ج ۸، ص ۴۸۸.
۲- ۲ _ فرهنگ آفتاب، ص ۱۷۱۶.
۳- ۳ _ جامع السعادات، ص ۲۱۹.
۴- ۴ _ احیاء علوم الدین، ج ۵، ص ۱۵۵.
۵- ۵ _ المیزان، ۱۳ و ۱۴ ص ۳۶.
۶- ۶ _ الکشاف، ج ۳، ص ۳۴۱.

خوب است در این جا به این نکته نیز اشاره کنیم که خداوند که «وکیل» همگان است در برخی از امور، وکیل گرفته است. طبرسی ذیل آیه: «قُلْ یَتَوَفّاکُمْ مَلَکُ الْمَوْتِ الَّذِی وُکِّلَ بِکُمْ ثُمَّ إِلی رَبِّکُمْ (سجده: ۱۲)» که اشاره به قبض ارواح توسط ملک الموت دارد، پس از تعریف «توکیل» در تفسیر این آیه می نویسد: «به ملک الموت برای قبض ارواح، وکالت داده شده است».(۱)

علامه طباطبایی نیز ذیل آیه: «فَإِنْ یَکْفُرْ بِها هؤُلاءِ فَقَدْ وَکَّلْنا بِها قَوْماً لَیْسُوا بِها بِکافِرِینَ (انعام: ۸۹)» که سخن از تهدید مشرکان به جایگزین شدن گروهی دیگر که کفر نخواهند ورزید، به میان آورده است، به این نتیجه می رسد که خداوند کسانی را که مورد اعتماد او هستند بر حفظ دین از جانب خود موکل «وکیل» می کند و آن ها معصومین علیهم السلام ـ انبیاء و اوصیای آن ها ـ هستند و در دایره وسیع تر، مؤمنان پارسا می باشند.(۲)

اهمیت و ویژگی توکل بر خداوند

توکل در مقام علمی، پیچیده و در بعد عملی، عمل کردن به آن دشوار است.(۳)

در معانی الاخبار روایتی را نقل کرده که بر اساس آن، «توکل» برتر از «زهد و اخلاص» است.(۴)

۱- ۱ ـ مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۸۷.
۲- ۲ ـ المیزان، ج ۷ و ۸، ص ۲۵۵.
۳- ۳ ـ محجّه البیضاء، ج ۷، ص ۳۷۷.
۴- ۴ ـ معانی الاخبار، ص ۲۳۸.

در اهمیت توکل همین بس که امیرالمؤمنین علیه السلام آن را بهترین عمل، بهترین ستون و در برگیرنده (حصار) حکمت دانسته است(۱) و در حدیثی هم توکل از ارکان ایمان برشمرده شده است.(۲)

مدارج السالکین می نویسد «توکل» نصف دین است که همان «استعانه» می باشد و نصف دیگر دین «انابه» است که همان «عبادت» می باشد.(۳)

خواجه عبداللّه انصاری هم عقیده دارد، توکل، محل اخلاص، نشانه یقین و ثمره توحید است.(۴) در جای دیگر، توکل را به عنوان شکر نعمت های خداوند و سپاسگزاری از امدادهای او قلمداد کرده است؟(۵)

بر اساس آیه ۴۲ سوره نحل می توان چنین برداشت کرد که صبر، نیاز موقت و توکل نیاز دائمی برای مسلمانان است.(۶)

وجوب و ضرورت توکل

بر اساس آیه نورانی:

«فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّهُ... (توبه: ۱۲۹)».

ـ (ای رسول ما) اگر (مؤمنان و غیر آن ها) از حق روی

۱- ۱ ـ معجم الفاظ غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۲۱۷.
۲- ۲ ـ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۵.
۳- ۳ ـ مدارج السالکین، ج ۲، ص ۱۱۸.
۴- ۴ ـ کشف الاسرار، ج ۲، ص ۵۹۶، ج ۵، ص ۲۴۵.
۵- ۵ ـ همان، ج ۴، ص ۲۷.
۶- ۶ ـ تفسیر راهنما، ج ۹، ص ۳۹۹.

برگردانند ــ نگران نباش ــ بگو: خداوند مرا کفایت می کند... بر او توکل کردم...

چنین برداشت می شود که مبلغان رسالات الهی لازم است بر خداوند توکل کنند.(۱)

بعضی نیز «وجوب توکل» را بر مؤمنان از آیه:

«وَ عَلَی اللّهِ فَتَوَکَّلوا إِنْ کُنْتُمْ مُوءْمِنِینَ (مائده: ۲۳)».

ــ و بر خداوند باید توکل کنید اگر مؤمن هستید.

استنباط کرده اند.(۲)

علامه مجلسی نیز ذیل آیه سوم سوره طلاق: «لِکُلِّ شَیْءٍ قَدْراً» ــ برای هر چیزی اندازه ای است.

می فرمایـد: این آیه وجوب توکل را بیان می کنـد.(۳) چنین برداشتی می توانـد به این خاطر باشـد که خداوند برای هر چیزی انـدازه ای قرارداده که تغییرناپـذیر است و لـذا بنـدگان بایـد به آن انـدازه معین شـده اکتفا کرده و بدون هراس از عواقب آن، توکل را پیشه خود سازند.

المیزان نیز ذیـل آیـات شـریفه: «وَ عَلَی اللّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُوءْمِنُونَ (ابراهیم: ۱۱)» و مؤمنـان بایـد بر خـدا توکل کننـد. «وَ ما لَنا أَلاّ نَتَوَکَّلَ عَلَی اللّهِ وَ قَدْ هَدانا سُبُلَنا (ابراهیم: ۱۲)» ــ و چرا بر خـدا توکل نکنیم با این که ما را به راههای (سـعادت) رهبری کرده است. می نویسد:

«دو حجت و دلیل بر وجوب توکل هست:

۱- ۱ ــ همان، ج ۷، ص ۳۵۹.

۲- ۲ ــ معراج السعاده، ص ۶۹۸.

۳- ۳ ــ بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۲۲.

۱ ـ داشتن ایمان که توکل راهم واجب می کند.

۲ ـ داشتن هدایت الهی که آنهم واجب کننده توکل است.[(۱)]»

برخی نیز توکل را هم «واجب» و هم «فضیلت» برای انسان برشمرده اند.[(۲)]

«تبیان» ذیل آیه ۱۶۰ سوره آل عمران معتقد به وجوب توکل شده است[(۳)] و تفسیر «جدید» ضمن چنین برداشتی از آیه مذکور این گونه علت می آورد: «(اگر توکل واجب نباشد) خداوند انسان را به خود وامی گذارد تا نابود شود.»[(۴)]

چه کسانی امر و توصیه به توکل کرده اند؟

توکل نیز همانند بسیاری از رفتارها و گفتارها و عقاید مثبت، نیاز به توجه و سوق دهی دارد.

در درجه نخست این خداوند است که بندگانش را به توکل بر ذاتش فرا می خواند:

«فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ (آل عمران: ۱۵۹).»

ـ (ای پیامبر ما) پس از آنکه عزم خود را بر کاری جزم کردی پس بر خدا توکل کن (و آن را انجام بده).

پس از خداوند متعال، این انبوه پیامبران اند که قوم خود را به توکل بر خداوند فرا می خوانند. قرآن از زبان

ص: ۱۷

۱- ۱ ـ المیزان، ج ۱۱ و ۱۲، ص ۳۳.
۲- ۲ ـ موسوعه مصطلحان التصوف، ص ۲۳۶.
۳- ۳ ـ التبیان، ج ۲، ص ۳۲.
۴- ۴ ـ الجدید، ج ۲، ص ۱۷۴.

پیامبران می فرماید:

«وَ عَلَی اللّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُوءْمِنُونَ (ابراهیم: ۱۱).»

_ مؤمنان باید بر خدا توکل کنند.

اوصیای الهی نیز چنین توصیه هایی را داشته اند چنانکه امام کاظم علیه السلام پس از توضیحاتی پیرامون توکل، می فرماید: پس بر خدا توکل کنید با واگذاری کارها به او و به او اطمینان کنید.(۱)

همچنین از آیه ۲۳ سوره مائده برمی آید که بهره مندان از نعمت الهی نیز مردم را به داشتن توکل امر کرده اند:

«فَتَوَکَّلُوا إِنْ کُنْتُمْ مُوءْمِنِینَ. (مائده: ۲۳).»

_ توکل کنید اگر ایمان دارید.

متوکلان (توکل کنندگان)

الف) متوکلان چه کسانی هستند؟

برخی دایره توکل کنندگان را از انسان فراتر دانسته و معتقد شده اند: «همه توکل دارند از مؤمن و کافر و حیوان؛ اما متعلق توکل آن ها متفاوت است تا آن جا که اولیاء الهی بر ایمان و نصرت دین الهی بر خدا توکل می کنند و دیگران بر استقامت نفس و ثبات قدم توکل می کنند و برخی بر رزق و سلامتی بدن و گروهی هم برای گناه کردن و انجام فواحش بر خدا توکل دارند و چه بسا افراد گناهکار در توکلشان قوی تر از اهل

۱- ۱ _ چهل حدیث، ص ۲۱۳.

طاعت اند.»(۱)

فیروز آبادی نیز مطالب فوق را پسندیده و در کتابش به توضیح پرداخته است.(۲)

ب) صفات متوکلان؛

روی هم این صفات و ویژگی ها را می توان به توکلّ کنندگان نسبت داد:

۱ _ به قضاء الهی راضی و در برابر حکم او تسلیم هستند.(۳)

۲ _ کارهایشان فقط برای خداست.(۴)

۳ _ فقط بر ذات اقدس الهی طمع دارند و تنها از او می ترسند.(۵)

۴ _ آن ها به وکیل خود (خداوند) اطمینان کامل دارند لذا او را متهم به کوتاهی یا ناتوانی نمی کنند؟(۶)

۵ _ صبر و تقوا از مشخصه های آن هاست.(۷)

درجات توکل

مرحوم نراقی توکل کنندگان را در سه رتبه درجه بندی کرده است:

۱- ۱ _ مدارج السالکین، ج ۲، ص ۱۱۸.
۲- ۲ _ بصائر ذوی التمییز، ص ۳۱۵ و ۳۱۶.
۳- ۳ _ جامع البیان، ج ۳، ص ۲۰۴.
۴- ۴ _ معانی الاخبار، ص ۱۳۳.
۵- ۵ _ همان.
۶- ۶ _ محجّه البیضاء، ج ۷، ص ۴۰۵؛ احیاء علوم الدین، ج ۵، ص ۱۸۳.
۷- ۷ _ تفسیر راهنما، ج ۳، ص ۱۸۳.

«۱ ـ توکل کنندگانی که اطمینانشان به خدا مانند اطمینانشان به بندگان است که وکالت او را می پذیرند لذا در کنار وکیل خویش، خودشان هم در تلاش هستند.

۲ ـ توکل کنندگانی که اطمینانشان به خدا مانند اطمینان طفل به مادر است که جز او را نشناسد و تمام اسباب را مردود می داند مگر گریختن به دامان مادر را.

۳ ـ توکل کنندگانی که خود را نزد خدا مانند مرده ای می دانند نزد غسّال که از خود هیچ حرکتی ندارند و هر چه هست قدرت اوست.

اینان از سعی و تدبیر، بیزارند و چه بسا دعا را هم ترک می کنند همچون حضرت ابراهیم در آتش.»(۱)

ابو حامد غزالی نیز دقیقا به شرح درجات فوق پرداخته است.(۲)

در روض الجنان به نقل از ابوعلی رودباری می نویسد:

«متوکلان بر سه رتبه قرار گرفته اند:

۱ ـ گروهی که چون بدهندشان شکر می کنند و اگر ندهندشان صبر پیشه می سازند.

۲ ـ آنان که عطایشان کنند یا نکنند برایشان مساوی است.

۳ ـ دسته ای چون عطایشان کنند شکر می کنند و براین باورند که صلاحشان همین است.»(۳)

۱- ۱ ـ معراج السعاده، ص ۷۰۴.

۲- ۲ ـ احیاء علوم الدین، ج ۵، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.

۳- ۳ ـ روض الجنان، ج ۵، ص ۱۲۸.

«بصائر» در این خصوص می نویسد:

«با فضیلت ترین توکل ها مربوط به انبیاء و وارثان ایشان است که در پی اقامه دین و دفع مفاسد از دین بودند. بعد از آنان، مردم قرار دارند که با اغراض مادی به خدا توکل می کنند ولکن اینان بر دو گروه هستند: گروهی که محبوب خدا هستند و از آنچه به آنها رسیده است، (با دیده) خیر می بینند و عده ای که مبغوض خدا هستند و از آنچه به آنها نایل شده (با دیده) ضرر می بینند.»(۱)

«کشف الاسرار» متوکلان را در دو رتبه درجه بندی کرده است:

۱ ـ توکل عام:

متوکلان در این درجه از توکل، تنها مسبب الاسباب (خداوند) را می بینند نه اسباب را. البته اینان می توانند اسباب را هم ببینند اما ماندن در آن را خطا می دانند.

۲ ـ توکل خواص:

در این جا، دیگران به او کار می سپرند و او کارها را به خدا می سپارد.(۲)»

«علامه مجلسی» از دیدگاه دیگری به تبیین درجات متوکلان پرداخته است.

ایشان می گوید: «یک درجه از توکل آن است که همه

۱- ۱ ـ بصائر ذوی التمییز، ص ۳۱۶.

۲- ۲ ـ کشف الاسرار، ج ۵، ص ۲۴۵ و ۲۴۷.

کارهایت را به خدا واگذار کنی و درجه دیگر و پایین آن است که تنها برخی از امور را به خداوند بسپری.»(۱)

اما این که میزان توکل در متوکلان بر چه پایه ای استوار است، نکته ظریفی است که بیان آن خالی از لطف نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «میزان توکل به خدا بر اساس میزان اطمینان انسان به خدا می باشد.»(۲)

از اثر دیگر این گونه برداشت کرده ایم که میزان توکل به قدر تعمیق توحید نزد متوکل است.(۳)

توجه به تلاش ها و اسباب در راستای توکل

تلاش انسان و آماده سازی آلات و ادوات برای رسیدن به هدفی که در پیش دارد تا چه اندازه می تواند با مقام توکل در تضاد باشد؟

آیا توکل با توجه کردن به تلاش ها و اسباب منافات دارد؟

توجه به اسباب مسئله ای است که مورد توجه حضرات معصومین علیه السلام هم بوده است چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«اِعْقِلْ راحِلَتَکَ وَ تَوَکَّلْ»(۴)

۱- ۱ _ بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۱.
۲- ۲ _ معجم الفاظ، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۲۱۷.
۳- ۳ _ مدارج السالکین، ج ۲، ص ۱۲۵.
۴- ۴ _ بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۸.

ـ مرکب خود را ببند آن گاه توکل کن.

همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

«توکل، همراه دعا و تلاش است.»(۱)

علامه مجلسی ضمن نقل روایات می نویسد:

«اصولاً تلاش و روی آوردن به اسباب بدون آنکه در چنگال «حرص» گرفتار شویم، طبق آیین شریعت، لازم شمرده شده است اما نباید به آن ها اعتماد کرد بلکه تنها دلبستگی ما باید به مسبب الاسباب (خداوند) باشد.»(۲)

به طور کلی به کارگیری اسباب و تلاش به منظور جلب منفعت یا دوام آن و یا دفع ضرر و یا قطع آن می باشد که ترک آن ها حرام می باشد و(۳) توجه به آن ها به شرط آن که مشروع باشند مورد تأکید هستند.(۴)

در میان اسبابی که برای رسیدن به هدف مورد توجه قرار می گیرند اسباب موهوم (مانند فال بینی و سحر و جادو) به چشم می خورند که روی آوردن به این اسباب، خلاف توکل بوده و باید از آن ها دوری کرد.(۵)

در کنار اسباب طبیعی برای رسیدن به مقصود، اسباب

۱- ۱ ـ فرهنگ آفتاب، ص ۱۷۱۶.

۲- ۲ ـ بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۲۷ (با تصرف).

۳- ۳ ـ محجه البیضاء، ج ۷، ص ۴۱۳؛ جامع السعادات، ص ۲۲۸ احیاء علوم الدین، ج ۵، ص ۱۹۲.

۴- ۴ ـ المنیر، ج ۲، ص ۱۴۱؛ الکاشف، ج ۲، ص ۱۸۷.

۵- ۵ ـ محجه البیضاء، ج ۷، ص ۴۱۹؛ جامع السعادات، ص ۲۲۸. (برگرفته).

روحی و روانی هم لازم است که خود توکل نمونه ای از این اسباب روانی است تا جایی که از توکل به عنوان وسیله ای کارساز برای رفع مشکلات یاد شده است.(۱)

اما این جا مطلب مهمی است که علامه طباطبائی به آن اشاره کرده است:

«خداوند، خود «مسبب الاسباب» است. او سببی است فوق همه اسباب که دیگر سبب ها به او منتهی می گردند. مؤمن بواسطه ایمانش به اسباب ظاهری اعتماد نمی کند چرا که این کار جهل محض است»(۲) «و شخص موحد از تمام اسباب ظاهری منقطع است چرا که او خدا را یگانه سبب شکست ناپذیر دانسته است.»(۳)

«نمونه ای از هم آغوشی «توکل و سبب خواهی» را می توانیم در جریان سفر برادران یوسف به مصر، پی جویی نماییم. حضرت یعقوب از برادران یوسف علیه السلام می خواهد که برای عدم جلب توجه مردم، از یک در وارد نشوند (تا به اصطلاح ما هدف چشم زخم قرار نگیرند) اما آن حضرت بلافاصله اذعان می دارد که چنین تلاشی نمی تواند از حادثه حتمی که خدا حکم کرده جلوگیری نماید و سپس مسئله توکل را پیش کشیده می گوید:

۱- ۱ _ تفسیر راهنما، ج ۳، ص ۴۸۹؛ مدارج السالکین، ج ۲، ص ۱۲۴.
۲- ۲ _ المیزان، ج ۹ و ۱۰، ص ۱۱۳.
۳- ۳ _ همان، ج ۱۷ و ۱۸، ص ۲۵.

«به خدا توکل کرده ام (در جریان این سفر و حوادث آینده آن) این جریان نشانگر این حقیقت است که در تعالیم یعقوب علیه السلام منافاتی میان توکل و تدارک اسباب وجود ندارد و اصولاً توکل بر خدا نباید موجب نادیده گرفتن اسباب و علل طبیعی شود.»(۱) اما بدون شک، قلب انسان بایستی از تعلق به آن ها خالی باشد.

شر باصی در مورد توکل و اسباب می نویسد:

«نگاه متوکل حقیقی به اسباب به خاطر خضوع در برابر سنت الهی است وگرنه می داند که مخلوق همانند او عاجز است لکن از طرف خدا این مخلوق، سبب قرار گرفته است.»(۲)

سید قطب نیز در این مورد چنین آورده است:

«توکل مانع از توجه به اسباب نیست بلکه روی آوردن به اسباب از روی اطاعت خداست و لذا برای او عبادت محسوب می شود و به ثواب آن نایل می گردد.»(۳)

برخی نیز با توجه به درجات توکل به این نتیجه رسیده اند که در پایین ترین درجه توکل، اسباب (ظاهری) را می توان طلب نمود و در حالت میانه از توکل، می توان به اسباب و تدبر در حد دعا و فزع روی آورد اما در بالاترین درجه از توکل اسباب و تدبیر (و

۱- ۱ _ تفسیر راهنما، ج ۸، ص ۴۸۷، ذیل یوسف / ۶۷.

۲- ۲ _ موسوعه اخلاق القرآن، ج ۱ و ۲، ص ۲۱۶.

۳- ۳ _ فی ظلال القرآن، ج ۷، ص ۱۴۷۶.

حتی دعا)(۱) جایز نمی باشد.(۲)

آنچه در حد فهم ما می باشد این است که بدانیم، «توکل» حال پیامبر صلی الله علیه و آله و کسب و تلاش، عمل آن حضرت بوده و هر دو نباید ترک شود.(۳)

آثار و نتایج توکل

اشاره

توکل بر خداوند با توجه به درجاتی که بندگان بر اساس توکل به دست می آورند دارای آثار فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی است که ما به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ _ محفوظ بودن از شر دشمنان:

بر اساس آیه:

«فَکَفَّ أَیْدِیَهُمْ عَنْکُمْ وَ اتَّقُوا اللّهَ وَ عَلَی اللّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُوءْمِنُونَ (مائده: ۱۱).»

_ و خدا دست ستم آن ها را از شما کوتاه کرد پس از خدا بترسید و باید اهل ایمان تنها بر خدا توکل کنند.

توکل، خنثی کننده توطئه های دشمنان است.(۴)

چنانچه برخی روایات نیز به این نکته اشاره دارند.(۵)

از آنجا که توکل، بر قدرتی شکست ناپذیر صورت

۱- ۱ _ معراج السعاده، ص ۷۰۴.
۲- ۲ _ احیاء علوم الدین، ج ۵، ص ۱۸۷.
۳- ۳ _ کشف الاسرار، ج ۷، ص ۵۶.
۴- ۴ _ تفسیر راهنما، ج ۴، ص ۲۷۶.
۵- ۵ _ ر. ک: بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۰۸.

می گیرد می توان به این نتیجه رسید که به طور کلی در زندگی اجتماعی، انسان را از شر بدخواهان محفوظ می دارد که این حقیقت را می توان از آیه:

«وَ تَوَکَّلْ عَلَی الْعَزِیزِ الرَّحِیمِ شعراء: ۲۱۷).»

ـ بر خداوند شکست ناپذیر بخشنده توکل کن ـ آموخت.(۱)

۲ ـ برخورداری از نصرت الهی و پیروزی در برابر جباران:

از آیه «۱۲۲ سوره آل عمران» چنین استنباط می گردد که پیروزی مسلمانان در یکی از جنگ ها نتیجه توکل آن ها بر خدا بوده است. این آیه حال گروهی را بیان می کند که ابتدا تصمیم داشتند به جنگ نروند اما از تصمیم خود منصرف شده و بر خدا توکل کردند و در نهایت از نصرت الهی برخوردار گردیدند و در پی آن، پیروزی را در آغوش کشیدند.(۲)

در تفاسیر مختلفی ذیل آیه «۱۶۰ سوره آل عمران» به این نکته اشاره شده است که نصرت در پی توکل بر خداوند حاصل می شود و دوری از توکل، خذلان را به دنبال دارد.(۳)

۱- ۱ ـ الکشاف، ج ۳، ص ۳۴۱.
۲- ۲ ـ تفسیر راهنما، ج ۳، ص ۴۶ و ۱۴۸.
۳- ۳ ـ اطیب الطبیان، ج ۳، ص ۴۱۱؛ الجوهر الثمین، ج ۱، ص ۳۹۲؛ الکاشف، ج ۲، ص ۱۸۷؛ تفسیر گازر، ج ۲، ص ۳۷۴.

در روایتی نیز از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: هر کس توکل کند یاری خدا را از دست نمی دهد.(۱)

بیان این نکته لازم است که، نصرتی که در پی توکل حاصل می شود گاه در میدان نبرد نظامی است و گاه در بیان حجت و دلیل در احتجاج با مخالف(۲) و این همان نصرت حقیقی است.(۳)

۳ ـ برخورداری از نعمت و فضل الهی:

مسلمانان پس از جنگ احد با برخورداری از نعمت و فضل پروردگارشان بازگشتند که آیه:

«فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَهٍ مِنَ اللّهِ وَ فَضْلٍ (آل عمران: ۱۷۴)»

ـ پس آن ها (از میدان نبرد) با نعمت و فضل پروردگارشان بازگشتند.(۴)

گواه آن است اما چنین رخدادی نتیجه توکلی بود که بر خداوند داشتند و این حقیقت را از آیه قبل می فهمیم که می فرماید:

«وَ قالُوا حَسْبُنَا اللّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ (آل عمران: ۱۷۳).»

ـ و گفتند: خدا ما را کافی است و او بهترین حامی ماست.

همچنین می توان از آیه ۵۹ سوره توبه به چنین برداشتی رسید.(۵)

۱- ۱ ـ معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۱۲۱۷.
۲- ۲ ـ تفسیر گازر، ج ۲، ص ۳۷۴؛ تفسیر اثنی عشر، ج ۲، ص ۲۸۸.
۳- ۳ ـ من هدی القرآن، ج ۱، ص ۶۹۱.
۴- ۴ ـ تفسیر راهنما، ج ۳، ص ۱۸۶.
۵- ۵ ـ همان، ج ۷، ص ۱۴۹.

۴ _ زمینه ساز دعا و نیایش:

از آن جا که توکل، ایجاد رابطه ای خصوصی با پروردگار است، انسان را به نیایش و درخواست نیاز از درگاهش فرا می خواند چنانکه حضرت شعیب پس از توکل بر خدا دست به دعا برمی دارد:

«عَلَی اللّهِ تَوَکَّلْنا رَبَّنَا افْتَحْ بَیْنَنا وَ بَیْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَیْرُ الْفاتِحِینَ (اعراف: ۸۹).»

_ تنها بر خدا توکل کرده ایم، پروردگارا میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی.(۱)

همچنین آیات «۸۵ و ۸۶ سوره یونس» گواه این مطلب است که قوم موسی پس از توکل بر خداوند، دست به دعا بلند کرده و دو چیز را از خداوند می خواستند:

۱ _ خدایا لباس ذلت را از ما دور کن؛

۲ _ ما را از قوم ستمکار نجات بخش؛(۲)

۵ _ ظهور ایمان:

در آیات متعدد قرآنی همچون:

«وَ عَلَی اللّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُوءْمِنُونَ (ابراهیم: ۱۱).»

_ که مؤمنان را توکل کنندگان بر خدا معرفی می کند.

به این حقیقت می رسیم که با توکل، ایمان ظاهر

۱- ۱ _ همان، ج ۶، ص ۱۳۱.

۲- ۲ _ المیزان، ج ۹ و ۱۰، ص ۱۱۴.

می شود(۱) و چنانکه در «روح المعانی» آمده است، شرط ایمان، توکل است.(۲) «مدارج السالکین» هم این مطلب را از آیات ۲۳ سوره مائده و ۵۱ سوره توبه به دست آورده است.(۳)

حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید: «متوکلان، قوی ترین مردم هستند از نظر ایمان.»(۴) و در صورتی که شدت ایمان را، تقوا به حساب آوریم، طبق نقل معصومین علیهم السلام ، توکل انسان را در صف متقین قرار می دهد.(۵)

۶ _ رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی:

کسانی که در راه خدا مهاجرت کرده و می کنند از نظر قرآن به پاداش های دنیوی و اخروی خواهند رسید. آیه ۴۱ سوره نحل سخن از چنین امتیازی برای مهاجران فی سبیل اللّه به میان آورده و در آیه بعد چنین سعادتی را به خاطر صبر و توکل آن ها دانسته است آن جا که می فرماید:

«الَّذِینَ صَبَرُوا وَ عَلی رَبِّهِمْ یَتَوَکَّلُونَ (نحل: ۴۲).»(۶)

_ (چنین سعادتی برای) کسانی است که صبر پیشه کرده و بر خدا توکل می کنند.

۱- ۱ _ همان، ج ۱۱ و ۱۲، ص ۳۳.
۲- ۲ _ روح المعانی، ج ۱۵، ص ۱۸۵.
۳- ۳ _ مدارج السالکین، ج ۲، ص ۱۳۴.
۴- ۴ _ معجم الفاظ غرر، ص ۱۲۱۷.
۵- ۵ _ بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۸.
۶- ۶ _ تفسیر راهنما، ج ۹، ص ۳۹۸.

اهمیت این دو صفت تا آن جاست که در آیه ۱۲ سوره ابراهیم از توکـل و صبر به عنوان دو ابزار لازم برای ابلاغ رسالت الهی که از بزرگترین سعادت ها در دنیا و آخرت برای یک انسان است یاد شده است.(۱)

و روایات نیز، توکل کنندگان را کسانی معرفی می کند که بدون حساب وارد بهشت می شوند.(۲)

از سعادت های دنیوی یک انسان این است که حیاتی سراسر عزت و حکمت و تدبیر داشته باشد و این افتخار بنابر آیه:

«وَمَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ فَإِنَّ اللّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ (انفال: ۴۹).»

_ هر کس بر خدا توکل کند (خدا او را یاری می کند چرا که) خداوند قدرتمند حکیم است.

نصیب کسانی می شود که بر خدا توکل داشته باشند.(۳)

بنابراین اساس تمام کارهای توکل کنندگان، به شکل حکیمانه ای توسط خداوند، سرو سامان بخشیده می شود.(۴)

۷ _ دور ماندن از وسوسه های شیاطین:

۱- ۱ _ همان، ص ۵۱.

۲- ۲ _ کنز العمال، ج ۳، ص ۱۰۰.

۳- ۳ _ صله الانسان باللّه، ص ۱۱۶؛ موسوعه اخلاق القرآن، ج ۱ و ۲، ص ۲۲۱؛ احیاء علوم الدین، ج ۵، ص ۱۵۵.

۴- ۴ _ تفسیر راهنما، ج ۶، ص ۵۱۸.

آیه ۹۹ سوره نحل صراحت دارد که شیاطین بر مؤمنان و توکل کنندگان سلطه و حاکمیت ندارند:

«إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»

_ شیطان بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی ندارد.

برخی از تفاسیر ذیل این آیه نوشته اند: «این آیه گواه آن است که توکل برخدا شیطان را از وسوسه و تسلط بر آن ها باز می دارد و اگر هم وسوسه کند در آن ها اثر نخواهد داشت.»(۱)

در روایتی هم که از امام صادق علیه السلام نقل شده است سخن از توانایی تسلط شیطان بر بدن انسان مؤمن به میان آمده بدون آنکه بتواند بر دین و ولایت پذیری او حاکمیتی داشته باشد.(۲)

البته «ابلیس» هم خود اعتراف کرده است که حیله اش در متوکلان راه ندارد.(۳)

برخی نیز ذیل آیه مذکور معتقد شده اند که متوکلان از وسوسه های شیطان و هوای نفس پیروی نمی کنند.(۴)

واضح است که این مطلب متفاوت از آن است که

۱- ۱ _ تفسیر گازر، ج ۵، ص ۱۹۸؛ تفسیر راهنما، ج ۹، ص ۵۲۹؛ فتح القدیر، ج ۳، ص ۱۶۴.
۲- ۲ _ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۷۵۳؛ کافی، ج ۸، ص ۲۸۸.
۳- ۳ _ بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۶.
۴- ۴ _ کشف الحقایق، ج ۲، ص ۱۹۴.

بگوییم آن ها از شیطان در امان هستند.

۸ ـ جلب مهر و محبت الهی:

از جمله آثار معنوی و روانی توکل، عبارت است از ایجاد زمینه ای مناسب برای جلب محبّت خداوند متعال چنانکه قرآن می فرماید:

«إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُتَوَکِّلِینَ (آل عمران: ۱۵۹).»(۱)

ـ قطعا خداوند توکل کنندگان را دوست دارد.

۹ ـ برخورداری از کفایت الهی:

آیات متعددی از قرآن تصریح دارند که خداوند برای توکل کنندگان کافی است از جمله:

«وَ کَفی بِاللّهِ وَکِیلًا (نساء: ۸۱).»(۲)

ـ کافی است که خداوند وکیل (تو) باشد.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام ذیل آیه:

«وَ مَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ (طلاق: ۳).»

ـ کسی که بر خداوند توکل کند، خدا برای او کفایت می کند.

نقل شده است؛ «هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت می کند.»(۳)

اینکه برخی گفته اند بر موکل لازم است که به وکیل

۱- ۱ ـ بصائر ذوی التمییز، ص ۳۱۵؛ صله الانسان باللّه، ص ۱۱۶؛ احیاء علوم الدین، ج ۵، ص ۱۶۶؛ جامع البیان، ج ۳، ص ۲۰۴.

۲- ۲ ـ تفسیر راهنما، ج ۳، ص ۴۸۹؛ موسوعه اخلاق القرآن، ج ۱ و ۲، ص ۲۱۶.

۳- ۳ ـ بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۱؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۱۰۳ و...

خود اطمینان داشته باشد و او را به ناتوانی و کوتاهی متهم نکند(۱) اشاره به کفایت وکیل است که وجه اتم و حقیقی آن ذات باری تعالی است.

در این جا این سؤال مطرح می گردد که چرا فقط خداوند برای توکل کنندگان کافی است؟

ما معتقدیم خداوند، صفات و ویژگی هایی دارد که منحصر به فرد است و بر اساس این ویژگی ها، هر انسان عاقلی باید اعتراف نماید که فقط اوست که کفایت کننده است. این ویژگی ها عبارتند از:

۱ _ عالم بر همه چیز است. (اعراف: ۸۹)

۲ _ به همه موجودات بخشنده است. (ملک: ۲۹)

۳ _ تنها معبود در عالم هستی است. (رعد: ۳۰)

۴ _ تنها او به حق هدایت می کند. (ابراهیم: ۱۲)

۵ _ صاحب عزت و حکمت است (انفال: ۴۹)

۶ _ حیّ مطلق است. (فرقان: ۵۰۱)

۷ _ خالق همه چیز است. (زمر: ۶۲)

۸ _ مالک همه چیز است. (نساء: ۱۷۱)

۹ _ توانای بر همه چیز است. (مائده: ۱۷)

۱۰ _ مرجع تمام امور است. (هود: ۱۲۳)

۱۱ _ مربی همه موجودات است. (هود: ۵۶)

۱۲ _ در همه امور، حکم فقط حکم اوست.(۲)

۱- ۱ _ صله الانسان باللّه، ص ۱۱۱.

۲- ۲ _ منابع متعددی این صفات را برشمرده اند و برخی این عناوین را تحت «ارکان توکل» بیان کرده اند.

(یوسف: ۶۷)

سایر آثار و تنایج توکل از این قرار است:

۱۰ ـ بوجود آمدن آزادی، شادی و لذت برای نفس آدمی.(۱)

۱۱ ـ مطمئن شدن قلب(۲) (محکم شدن دل).

۱۲ ـ بسته شدن راه طمع ورزی بر انسان.(۳)

۱۳ ـ حاصل شدن اخلاص برای انسان(۴)

۱۴ ـ رسیدن به مقام رضای الهی.(۵) یعنی انسان به تقدیرات الهی رضایت می دهد.

۱۵ ـ رسیدن به مقام یقین(۶)

۱۶ ـ زدوده شدن غم و اندوه از دل انسان.(۷)

۱۷ ـ شیرین شدن خدمت به مردم و مهر ورزیدن.(۸)

آثار توکل از چنان ژرفایی در سازندگی روح و روان آدمی برخوردار است که علامه طباطبایی، آثار توکل را ملحق به معجزات می داند.(۹)

زمینه های توکل

۱- ۱ ـ کشف الاسرار، ج ۵، ص ۳۲۶.
۲- ۲ ـ معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۱۲۱۷.
۳- ۳ ـ روض الجنان، ج ۵، ص ۱۲۸. (به نقل از ذوالنون مصری)
۴- ۴ ـ نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۵۸.
۵- ۵ ـ بصائر ذوی التمییز، ص ۳۱۸.
۶- ۶ ـ معانی الاخبار، ص ۱۳۳.
۷- ۷ ـ معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۱۲۱۷.
۸- ۸ ـ کشف الاسرار، ج ۴، ص ۳۲۶.
۹- ۹ ـ المیزان، ج ۳ و ۴، ص ۶۵.

توکل، علاوه بر اینکه دارای نتایج است و در حقیقت زمینه ای است برای بروز و ظهور آثار مختلف؛ خود نیز دارای زمینه هایی است که آن ها در حصول مقام توکل نقش به سزایی ایفا می کنند و به عبارت دیگر، توکل نتیجه آن عوامل است.

این عوامل که شامل یک سری از رفتارها و عقاید ما می باشد از این قرار است:

۱ _ یقین: علی علیه السلام می فرماید: «یقین باعث توکل می شود».(۱) همچنین فرموده است: «توکل از نشانه های یقین است».(۲)

۲ _ اخلاص: در کتاب «صله الانسان باللّه»، توکل را نتیجه حتمی عقیده به توحید و داشتن اخلاص در عمل دانسته است.(۳)

۳ _ توحید ربوبی: انسانی که تنها خدا را فاعل انحصاری بداند، زمینه ایجاد توکل را در قلب خود فراهم کرده است. «محجه البیضاء» توحید را به چهار رتبه تقسیم بندی کرده است و مرتبه سوم از توحید را زمینه پیدایش توکل خوانده است و آن توحیدی است که موحد فقط یک فاعل را می بیند.(۴)

۴ _ ترس از خدا: در «موسوعه مصطلحات» آمده

ص: ۳۶

۱- ۱ _ معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۱۲۱۷.
۲- ۲ _ همان. (ترجمه آزاد)
۳- ۳ _ صله الانسان باللّه، ص ۱۱۳.
۴- ۴ _ محجه البیضاء، ج ۷، ص ۳۸۳.

است: کلید توکل، خوف است؟

۵ _ ایمان: علامه طباطبائی ذیل آیه ۱۱ سوره ابراهیم می نویسد: بدون ایمان، توکل نمی شود.(۱) همچنین ذیل آیه ۸۴ یونس ایمان و اسلام را شرط توکل بیان داشته است.(۲)

۶ _ تسلیم قضای الهی بودن: علامه مجلسی ذیل آیه ۸۴ یونس توکل را مشروط به تسلیم شدن در برابر قضاء الهی دانسته است.(۳)

۷ _ صبر

۸ _ تقوا

۹ _ نیکوکاری

۱۰ _ اطاعت از خدا و رسول(۴)

۱۱ _ یادآوری نعمت های خداوند(۵)

۱۲ _ برخورداری از هدایت الهی(۶)

۱۳ _ عبودیت: مرحوم طباطبائی می فرماید: توکل از اخص آثار عبودیت است.(۷)

مواضع توکل

اشاره

ص: ۳۷

۱- ۱ _ موسوعه مصطلحات، ص ۲۳۹.

۲- ۲ _ همان، ج ۹، و ۱۰، ص ۱۱۳.

۳- ۳ _ بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۱۱.

۴- ۴ _ تفسیر راهنما، ج ۳، ص ۱۸۳، ذیل آیه ۱۷۳ آل عمران.

۵- ۵ _ همان، ج ۴، ص ۲۷۵، ذیل آیه ۱۱ مائده.

۶- ۶ _ همان، ج ۹، ص ۵۰، ذیل آیه ۱۲ ابراهیم.

۷- ۷ _ المیزان، ج ۱۳ و ۱۴، ص ۳۴۴.

چه زمان و چه مکانی باید به خداوند توکل کنیم؟

جواب این سؤال تحت عنوان «مواضع توکل» قابل بررسی است که ما در این جا به آن ها اشاره ای خواهیم داشت:

۱ ـ هنگام طلب نصرت و پیروزی:

در بهره گیری از نصرت الهی و رسیدن به پیروزی، توکل بر خداوند ضروری است همان طور که در آیه ۱۶۰ سوره آل عمران سخن از نصرت الهی به میان آورده و بلافاصله مسئله توکل مؤمنان را مطرح کرده است:

«إِنْ یَنْصُرْکُمُ اللّهُ فَلا غالِبَ لَکُمْ.... وَ عَلَی اللّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُوءْمِنُونَ.»(۱)

ـ اگر خداوند شما را یاری کند هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد... و مؤمنان تنها بر خدا باید توکل کنند.

این آیه، مؤمنان را به چیزی فرا می خواند که مستحق نصرت الهی است و آن توکل بر کرم خداوند است.(۲)

همچنین از آیه ۲۳ سوره مائده می توانیم به چنین برداشتی برسیم.

۲ ـ هنگام روگردان شدن دشمنان و رویگردانی از آن ها:

ص: ۳۸

۱- ۱ ـ بصائر ذوی التمییز، ص ۳۱۵.

۲- ۲ ـ تفسیر گازر، ج ۲، ص ۳۷۴؛ اثنی عشر، ج ۲، ص ۲۸۸؛ منهج الصادقین، ج ۲، ص ۳۷۴.

از آن جایی که رویگردانی از دشمنان، مسلمانان را با خطراتی از سوی آن ها مواجه می سازد، خداوند در آیه:

«فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ تَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ (نساء: ۸۱)»

پس از رویگردان شدن پیامبرش از دشمنان امر به توکل کرده است ؛ چرا که در چنین مواقعی خداوند پشتوانه مطمئنی برای آن ها خواهد بود.(۱) چنانکه در آیه دیگری خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

_ اگر مردم اعم از مشرکان و منافقان و حتی خودی ها از تو روی گردان شدند بگو: خداوند مرا کفایت می کند و بر او توکل می کنم (توبه: ۱۲۹).(۲)

حضرت نوح علیه السلام نیز وقتی با کار شکنی و روی گردانی قومش مواجه می شود متقابلاً از آن ها روی گردان شده و بر خداوند توکل می کند.(۳)

«بصائر ذوی التمییز» می نویسد:

«توکل بر خداوند در چنین حالاتی از آن روست که در عین تنهایی آدمی، تنها کفایت کننده، اوست:

«وَ کَفی بِاللّهِ وَکِیلاً (نساء: ۸۱).»(۴)

«لاهیجی» هم می نویسد:

مؤمنان موظف اند طبق دستور قرآنی(۵) در برابر

۱- ۱ _ بصائر ذوی التمییز، ص ۳۱۵.

۲- ۲ _ تفسیر گازر، ج ۴، ص ۱۴۹؛ حجه التفاسیر، ج ۳، ص ۱۳۶؛ مواهب علیه، ج ۲، ص ۱۱۴ و...

۳- ۳ _ یونس: ۷۱.

۴- ۴ _ بصائر ذوی التمییز، ص ۳۱۵.

۵- ۵ _ ابراهیم: ۱۱.

دشمنی های مخالفان، توکل پیشه سازند.»(۱)

نگرانی از دشمن نه تنها در زمان مخاصمه بلکه در زمان صلح نیز وجود دارد و این امر موجب می شود که در زمان صلح نیز توکل بر خدا فراموش نشود همان طور که در آیه شریفه:

«وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَها وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ (انفال:۶۱).»

پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور است با کافران در صورت تمایل آن ها، صلح نموده و از عواقب چنین کاری از جمله اهداف پنهانی کافران، ترس به دل راه نداده و بر خدا توکل نماید.(۲)

«علامه مجلسی» ذیل آیه ۲ سوره انفال به توکل کردن هنگام امیدواری هم اشاره کرده است.(۳) بر پایه مطالب مذکور، توکل هنگام ترس، خطر، صلح و امیدواری لازم است.

۳ _ هنگام استقبال از قضای الهی:

قدم گذاشتن در مسیری که رخدادهای آن برای ما مبهم است به همراه سختی هایی است که با توکل آسان می شود. چنانچه خداوند در آیه ۵۱ سوره توبه پس از بیان قضای الهی دستور توکل را صادر می کند.

۱- ۱ _ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۶۲۴.
۲- ۲ _ تفسیر راهنما، ج ۶، ص ۵۴۶.
۳- ۳ _ همان، ج ۸، ص ۴۸۷. (ذیل یوسف: ۶۷)

در جریان سفر برادران یوسف علیه السلام به مصر، حضرت یعقوب پس از آن که تسلیم قضای الهی می گردد، توکل خود را به خداوند اظهار می دارد.

همچنین قرآن کریم پس از آنکه اسرار نهانی آسمان و زمین را از آن خداوند دانسته و بازگشت همه کارها را به سوی او می داند، به توکل امر می نماید تا به این نکته برساند که هر کس مقدرات عالم را دست خداوند بداند، باید تسلیم او گشته و توکل را فراروی خود قرار دهد.(۱)

۴ _ در تثبیت و دوام ایمان:

«لاهیجی» آیه ۸۹ سوره اعراف را چنین ترجمه می کند: بر خداوند توکل کردیم در تثبیت و دوام ایمانمان.(۲)

۵ _ در امر دین و دنیا:

«طبری» ذیل آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، توکل ذکر شده در آیه را مربوط به امور دینی و دنیوی می داند.(۳) در مجمع البیان هم می نویسد:

«باید در کارهای دنیایی که از بدی آن ترس داریم به خدا توکل شود».(۴)

۶ _ در هر گفتار و کردار

(۵):

۱- ۱ _ بصائر ذوی التمییز، ص ۳۱۷.

۲- ۲ _ تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲، ص ۶۲.

۳- ۳ _ جامع البیان، ج ۳، ص ۲۰۴.

۴- ۴ _ مجمع البیان، ج ۴، ص ۷۹۹.

۵- ۵ _ فتح القدیر، ج ۳، ص ۱۶۴.

۷ ـ برای رفع نیازها

(۱):

و به طور کلی در «مواضع توکل» به این عبارت ها هم برمی خوریم.

۸ ـ توکل در همه امور لازم است

(۲).

۹ ـ در تمام حالات باید توکل کرد

(۳).

ارتباط «توکل» با «تفویض»، «تسلیم»، «ثقه»، «رضا»

در توکـل، مقـام موکـل حفـظ می شود و از اعتبار ساقط نمی شود به خلاف تفویض که با تفویض، خودش و مقامش از اعتبار ساقـط می شـود و به دیگری سپرده می شود. به علاوه این که «مفوض الیه» می توانـد ربّ یـا شـریک یـا زوج یـا افراد قومش باشد.(۴)

در «چهل حـدیث» به نقل از خواجه عبداللّه، تفویض را لطیف تر و دقیق تر از توکل بیان کرده و سه تفاوت را میان آن دو قائل شده است:

۱ ـ متوکل، حق را قائم مقام خود در تصرف خود می کند اما در تفویض، بنده، حول و قوتی از خود

۱- ۱ ـ تفسیر راهنما، ج ۷، ص ۱۴۹.

۲- ۲ ـ روح المعانی، ج ۸، ص ۲۱۷ و...

۳- ۳ ـ بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۱۹.

۴- ۴ ـ فی کلمات القرآن، ج ۹، ص ۱۵۷.

نمی بیند و در تمام امور، خود را بی تصرف و حق را متصرف می داند.

۲ _ تفویض وسیع تر از توکل است زیرا توکل در مصالح است اما تفویض در مطلق امور است.

۳ _ توکل بعد از وقوع سبب توکل است اما تفویض هم قبل و هم بعد از سبب است.(۱)

در مصطلحات تصوف ، سه قول در خصوص توکل و تسلیم و تفویض بیان شده است که به خوبی نشانگر برتری مقام تفویض است.

قول اول: توکل ، صفت مؤمنان است و تسلیم ، صفت اولیاء و تفویض، صفت موحدان.

قول دوم: توکل صفت عوام است و تسلیم صفت خواص و تفویض صفت خواص الخواص.

قول سوم: توکل صفت انبیاء است و تسلیم صفت حضرت ابراهیم علیه السلام و تفویض صفت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله (۲).

عبارات «مدارج السالکین» نیز گواهی این است که رتبه بندی ذکر شده را قبول دارد و پس از مقام «تفویض»، به مقام «رضا» معتقد شده و می نویسد: رضایت ثمره «توکل» است. ایشان در جای دیگر «ثقه» را خلاصه توکل بیان کرده است.(۳)

۱- ۱ _ چهل حدیث، ص ۲۱۸، به نقل از شرح منازل السائرین، ص ۳۴ و ۷۸.

۲- ۲ _ موسوعه مصطلحات التصوف الاسلامی، ص ۲۳۹.

۳- ۳ _ مدارج السالکین، ج ۲، ص ۱۲۷ و ۱۴۹.

مرحوم نراقی ضمن این که مقام تسلیم را از مقام توکل بالاتر دانسته به دلیل آن اشاره کرده و می نویسد:

«در توکـل، امور خویش را به خـدا واگـذار می کنی در حـالی که هنوز به آن امور، تعلق خاطر داری اما در تسـلیم، امور را به خدا وامی گذاری بدون این که به آن تعلق خاطر داشته باشی.»(۱)

ص: ۴۴

۱- ۱ ـ جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۲۰.

منابع

۱ ــ اثنی عشری، حسین بن احمد شاه عبدالعظیمی، انتشارات میقات، تهران: ۱۳۶۳ ش.

۲ ــ احیاء علوم الدین، امام ابی حامد الغزالی، دارالکتاب العربی.

۳ ــ اطیب الطبیان، سید عبدالحسین طیب، انتشارات اسلام، تهران: ۱۳۷۸ ش.

۴ ــ البرهان، السید هاشم الحسینی البحرانی، مؤسسه البعثه، قم.

۵ ــ التبیان، شیخ طوسی، مکتبه الاعلام الاسلامی، قم.

۶ ــ التحقیق فی کلمات القرآن، حسن المصطفوی.

۷ ــ الجدید فی تفسیر القرآن، محمد السبزواری ،۸ دارالتعاریف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۲ ق.

۸ ــ الجوهر الثمین، سید عبداللّه شبّر، مکتبه الامین، ۱۴۰۷ ق، کویت.

۹ ــ الکشاف، محمودبن عمر الزمخشری، (م ۵۲۸ ق)، نشر البلاغه، قم، ۱۴۱۵ ق.

۱۰ ــ المیزان فی تفسیر القرآن، علامه محمد حسین طباطبایی، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، قم.

۱۱ ــ بحارالانوار، علامه مجلسی، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۳ ق.

۱۲ ــ بصائر ذوی التمییز، محیی الدین محمد بن یعقوب الفیروز آبادی (م ۸۱۷ ق) المکتبه العلمیه، بیروت.

۱۳ ــ تفسیرالمنیر، محمد الکرمی، مطبعه العلمیه، قم ۱۰۴۲ ق.

۱۴ ــ تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.

۱۵ ــ تفسیر شریف لاهیجی، بهاء الدین محمد الشریف الاهیجی، مؤسسه مطبوعاتی اعلمی،تهران: ۱۳۶۳ ش.

۱۶ ــ تفسیر گازر، حسین جرجانی، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ ش.

۱۷ ــ جامع البیان، محمد بن جریر الطبری، (م ۳۱۰ ق) دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.

۱۸ ــ جامع السعادات، محمد مهدی النراقی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

۱۹ ــ چهل حدیث، امام خمینی«ره»، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی«ره»، ۱۳۷۱ ش.

۲۰ ــ حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، سید عبدالحجت بلاغی، انتشارات حکمت، قم: ۱۳۶۸ ق.

۲۱ ــ روح المعانی، ابوالفضل شهاب الدین محمد آلآلوسی (م ۱۲۷ ق)، دارالکفر، ۱۴۱۴ ق.

۲۲ ــ روض الجنان، ابوالفتوح رازی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد: ۱۳۷۲ ش.

۲۳ ــ صله الانسان باللّه، الشیخ ضیاء الدین العزی.

۲۴ ــ فتح القدیر، محمد بن علی بن محمد الشوکانی، دارالمعرفه، بیروت.

۲۵ ــ فرهنگ آفتاب، عبدالمجید معادیخواه، نشر ذره.

ص: ۴۶

۲۶ ـ فی ظلال القرآن، سید قطب، دارالشرق.

۲۷ ـ کشف الاسرار، ابوالفضل رشید الدین المیبدی، نشر امیر کبیر، تهران: ۱۳۶۱ ش.

۲۸ ـ کنز العمال، علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی (م ۹۷۵ ق)، مؤسسه الرساله.

۲۹ ـ لسان العرب، ابن منظور، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

۳۰ ـ مجمع البیان، ابی علی الفضل بن الحسین الطبری، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.

۳۱ ـ محجّه البیضاء، مولی محسن الکاشانی، دفتر انتشارات اسلامی.

۳۲ ـ مدارج السالکین، ابی عبداللّه محمد بن ابی بکر (م ۶۹۱ ق).

۳۳ ـ معانی الاخبار، شیخ صدوق، (م ۳۸۱ ق)، دارالکتب الاسلامیه.

۳۴ ـ معجم الفاظ غررالحکم و دررالکلم، مصطفی درایتی، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه.

۳۵ ـ معراج السعاده، ملا احمد نراقی، انتشارات هجرت، ۱۳۷۸ ش.

۳۶ ـ مفردات الفاظ القرآن، الراغب الاصفهانی (م ۴۲۵ ق)، نشر ذوی القربی، ۱۴۲۳ ق.

۳۷ ـ منهج الصادقین، ملافتح اللّه کاشانی، نشر کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران: ۱۳۳۶ ش.

۳۸ ـ من هدی القرآن، سید محمد تقی مدرسی، نشر دار

ص: ۴۷

محبّی الحسین، ۱۴۱۹ ق، تهران.

۳۹ _ مواهب علیه، حسین بن علی واعظ کاشفی سبزواری، نشر چاپخانه اقبال، تهران، ۱۳۶۹ ش.

۴۰ _ موسوعه اخلاق القرآن، الدکتور احمد الشر باصی، دارالرائد العربی، بیروت.

۴۱ _ موسوعه مصطلحات التصوف الاسلامی، الدکتور رفیق العجم، مکتبه لبنان ناشرون.

۴۲ _ نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه العروسی هویزی، نشر مؤسسه اسماعیلیان، قم: ۱۴۱۵ ق.

ص:۴۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی
۵.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:
۱.JAVA
۲.ANDROID
۳.EPUB
۴.CHM
۵.PDF
۶.HTML
۷.CHM
۸.GHB
و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
۱.ANDROID
۲.IOS
۳.WINDOWS PHONE
۴.WINDOWS
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹